

از این هرج و مرج خیلی نگران بودم و می دانستم که این اعمال عموماً مقدمه وقایعی بس خطرناک می باشد، زیرا که از مقدمات بلوای بزرگ فرانسه و هرج و مرجی که بر اثر بقدرت رسیدن این قبیل دستجات که از کنترل همه کس خارج هستند، پیش آمده بود به خوبی آگاه بودم و نمی خواستم اشتباهات رولوسیون فرانسه بعد از صد و بیست سال در ایران تجدید شود. اما بدبختانه بعضی از وکلا که در رأسشان تقی زاده و حاجی میرزا ابراهیم آذربایجانی قرار گرفته بودند اصطلاح «انقلاب کبیر فرانسه» از زبانشان نمی افتاد و عاشق «گیوتین» و دادگاه های انقلاب بودند که ظرف یک ساعت، حکم اعدام شاه و درباریان و جمیع وزرا و امراء حال و گذشته را صادر نماید. یکی می خواست «روبسپیر» بشود، دیگری خود را جانشین «مارا» می دانست و دیگری «دانتون» شده بود.

.....

.... جمعی از پیشوایان ملی که خود را پدر مشروطه و مجلس می دانستند مجلس و مشروطیت را اساس اعمال و اغراض شخصی و مرجعیت تامه و منفعت پرستی خود قرار داده بودند و در صدر ایشان آقا سید عبدالله بهبهانی قرار داشت که در واقع حدی برای مداخلات بی رویه خود قائل نبود و از جمله قبیح ترین اعمال آقا که بتوسط حواریون و اطرافیان ترتیب مقدمه چینی و نتیجه گیری از آن داده می شد این بود که اخبار و شایعات بر ضد اشخاص متمکن و متنفذ مقیم تهران و ولایات ساخته و رواج می دادند که فلان کس از عمال استبداد است و دشمن ملت، با مردم جنگیده و برای حفظ نظام استبدادی کوشیده است و آقا تصمیم دارند حکم «مهدورالدم» بودن او و تصرف اموال و املاکش را صادر فرمایند.

البته کسی که چنین بلایی بر سرش نازل می شد یعنی فرمان آقا بر ضد او صادر می گردید دیگر در میان اهل و دیار خویش نمیتوانست زندگی کند و هر لحظه در مخاطره هجوم و حمله افراد و قتل و غارت خود و خانواده و اموالش قرار داشت و ناچار برای نجات خود از

آن مخصصه و رفع اثر از اخبار و شایعات دست به دامن خود آقا میزد و با وسایل مخصوص اقدام و بخود ایشان پناه آورده و متوسل می شد و با تقدیم پیشکش های لایق و تقسیم وجوه کافی ناسخ اخبار و شایعات قبلی را تحصیل می کرد.....

.....

برگرفته از «خاطرات احتشام السلطنه»^۱
به کوشش محمد مهدی موسوی، انتشارات زوآر، ۱۳۹۲ .

^۱ از رجال دوران ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه